

ضمن سلام و تشکر از اینکه دعوت ما را پذیرفتید لطفا خودتان را معرفی نمایید.

ژیلا قاسمی هستم دانشجوی پزشکی ورودی سال ۹۰ فرزند آزاده و جانباز هستم ما سه فرزند هستیم دو دختر و یک پسر خواهر بزرگتر من دوسال از من بزرگتر است و دانشجوی پزشکی است و برادر کوچکترم هم امسال کنکور دارد ما در تبریز زندگی می کنیم .

پدرتان چه زمانی جانباز شدند ؟ وقتی ایشان جانباز شدند شما به دنیا آمده بودید؟

خیر ایشان قبل از ازدواج با مادرم جانباز شدند.



خاطره ای که پدرتان از جانبازی خود و جنگ

برایتان تعریف کرده را برای ما بگویید؟

من همیشه در مورد نحوه اسارتشان از ایشان سوال می کردم و توضیح می دادند که یک شب به اتفاق سایر همزمان برای یکی از عملیات رفته بودند و جهت شناسایی بهتر مجبور شدند از هم جدا شوند و به قسمتهای مختلف بروند در این زمان آنها به اصطلاح قیچی شدند و توسط مانور هوایی شناسایی و اسیر شدند . واز آنجا که با چند نفر از همسفری ها ایشان در این عملیات بودند باهم اسیر میشوند و به یک بند منتقل میشوند . بعد از چندین سال که از جنگ گذشته نیز هر موقع آنها را می بیند می شناسد و خاطرات اسارت برایش زنده می شود.

زمانی که دانشگاه قبول شدید چه حسی داشتید

؟ چه انگیزه ای برای انتخاب این رشته داشتید؟

من اول به رشته داروسازی علاقه داشتم ولی بعد از قبولی خواهرم در رشته پزشکی به این رشته علاقه مند شدم و احساس کردم شاید در این رشته بیشتر موفق شوم و از آنجا که خواهرم نیز مشوق من بودند بعد از قبولی خیلی خوشحال شدم .

برنامه ریزی تحصیلی شما چطور بود؟

قبل از دانشگاه در آزمون های قلم چی شرکت می کردم و با برنامه ریزی پیش می رفتم و چون برنامه ریزی های قلمی چی با برنامه ریزی خودم هماهنگی داشت از آن برنامه ها استفاده کردم ولی بعد از قبولی در دانشگاه بیشتر با برنامه خودم پیش رفتم چون درسهای رشته پزشکی خیلی سنگین است هر کسی با توجه به توانایی های خودش ساعت مطالعه خودش را برنامه ریزی می کند. ترم های اول خیلی برایم سخت بود ولی بعد برایم عادی شد و در حال حاضر به لطف الهی معدل الف هستم و درسهایم خوب پیش می رود.

خاطره ای از دوران تحصیل بگویید؟

دوم دبیرستان که بودم برای راهیان نور ثبت نام می کردند و من زیاد با این منطقه آشنا نبودم و فقط شنیده بودم مناطق جنگی است و خیلی برایم جالب بود و چون دوست داشتم از نزدیک با این محل آشنا شوم در این اردو ثبت نام کردم . ظرفیت ثبت نام محدود بود و قرار شد قرعه کشی کنند و من و دوستانم اسم خود را نوشتیم و فکر کنم چون از ته دل خواستیم اسم هردوی ما درآمد و به این سفر رفتیم و میتوانم بگویم که بهترین سفر عمرم بود و خیلی خوب بود.

#### در این سفر خاطراتی که پدرتان تعریف می کرد تا چه حد برایتان زنده شد؟

خیلی زیاد مدام جلوی چشمانم بود چون ما به مناطق جنگی رفتیم که هنوز بوی جنگ میداد سنگرها واقعی بودند و یک سری صداهاى جنگی از طریق ضبط پخش می شد و خیلی عینی شده بود.

#### حمایت خانواده بستگان و دوستان چطور بوده تا شما بتوانید به این نقطه برسید؟

مادرم خیلی مرا تشویق کرد . ایشان ما را از همان بچگی خیلی خوب مدیریت کردند و چون خانه دار هم بود توانست بیشتر بالای سرما باشد و این طوری نبود که نتوانیم مادرمان راز یاد ببینیم و یا ارتباطمان کم باشد . مادرم خیلی در درس خواندن ما حساس و جدی بود خواهرم که قبول شد ما نیز بیشتر انگیزه پیدا کردیم در کل مادرو پدرمان خیلی کمک کردند و اگر حمایت آنها نبود واقعا نمی توانستیم به اینجا برسیم .

#### هدف اصلی شما در زندگی چیست ؟ و از لحاظ اعتقادات

#### مذهبی خود را در چه درجه ای می بینید؟



من همیشه می گویم که دوست دارم درسم تمام شود و به مناطق دورافتاده و محروم بروم . جاهایی که هیچ کسی حاضر به رفتن نیست و مردم آنجا واقعا نیاز به کمک دارند همکلاسی هایم می گویند بعد از ۷ سال تو این را نمی گویی ولی من واقعا اعتقاد دارم اگر خدا کمک کند این کار را انجام دهم. از همان اول که وارد این رشته شدم دوست داشتم وبا این هدف آمدم و بعد از این که توانستم به مردم خدمت کنم به مناطق دور افتاده میروم و به آنها خدمت میکنم و بعید میدانم دوری راه و سختی آن برام مهم باشد همانطور که شهرت برایم مهم نیست .

#### آیا در کنار درس خواندن فعالیت های فوق برنامه هم

#### داشتید و دارید ؟ در چه زمینه ای فعالیت می کنید؟

علاقتمند به فعالیت در امور پژوهشی بودم کنم اما چون تازه علوم پایه را گذارندم و اطلاعاتم خیلی کم است به من پیشنهاد دادند که وقتی وارد بیمارستان و کارهای بالینی شدم به سراغ کارهای پژوهشی بروم که هم دغدغه کلاسها را نداشته باشم و هم اطلاعاتم بیشتر باشد به همین جهت قرار است از سال دیگر به دنبال کارهای پژوهشی بروم. در زمینه های غیر درسی هم بیشتر در ورزش فعالیت دارم و از ابتدا سعی کردم در چند رشته ورزشی فعالیت حرفه ای داشته باشم و چندین بار در مسابقات شرکت کردم و رتبه اوردم به عنوان مثال در رشته تکواندو والیبال و آمادگی جسمانی به طور حرفه ای فعالیت دارم . در مسابقات فرهنگی مانند حفظ قران و نهج البلاغه و مفاهیم هم شرکت می کردم پس از قبولی در دانشگاه زیاد نتوانستم در این زمینه ها به فعالیتهایم ادامه دهم چون زمینه کم بود ولی تا جایی که توانستم در مسابقات کتابخوانی و ..... شرکت کردم.

### فکر می کنید این فعالیت ها چقدر می تواند در موفقیت شما تاثیر داشته باشد؟

خیلی موثر است. استرس شخص کمتر می شود بهتر می توان برنامه ریزی کرد در مدتی که ورزش می کنیم دغدغه های طول روز کمتر شده و حتی فراموش می شود و وقتی از ورزش بر می گردم خیلی با انرژی تر و با روحیه بهتری می توانم درس بخوانم یعنی روزی که من ورزش نمی کنم احساس افسردگی دارم و نمی توانم تمرکز روی درس داشته باشم. قبل از ورود به دانشگاه چون با پدرم و مادرم زندگی می کردم راحت تر بودم و امکاناتم بیشتر بود اما الان سخت تر شده و فعالیت های من کمتر شده چون اینجا مسئولیت کارهایم با خودم است و به همین علت ترم های اول لطمه خوردم اما ترم های بعد ورزش را ادامه دادم و تاثیر آن را در رتبه درسی و روحیه ام دیدم

### چه توصیه ای به دانشجویان دارید؟

دانشجویان راه دشواری در پیش دارند و اگر کسی نتواند حتی ۱۰٪ از وقت خود را مدیریت کند واقعا نمی تواند ادامه دهد و حتما باید ۱۰۰٪ روی وقت خود کنترل و مدیریت داشته باشد چون درسها انقدر سنگین است که اگر یک روز هم از برنامه خود غافل شویم و بدون برنامه پیش برویم شاید تا آخر عمرمان پشیمان شویم و توصیه کلی من این است که همه در هر رشته ای درس می خوانند ورزش را هم در کنار درس خود داشته باشند و نیم ساعت یا یک ساعت ورزش هیچ کس را از درسهایش عقب نمی نهد و خیلی هم موثر است. توصیه دیگرم این است که حتما با برنامه پیش بروند حتما برنامه بلند مدت داشته باشند تا عقب نمانند چون محیط دانشگاه تهران محیطی نیست که بتوان درسها را سرسری گذراند و پاس کرد و باید حداکثر توان را به کار بگیریم.

### به عنوان فرزند جانناز و با توجه به تفکر مردم جامعه در خصوص سهمیه شهدا و جانبازان چه انتظاری از مردم جامعه دارید و به نظر شما

### چطور می توان این تفکر را اصلاح کرد؟



من از یک طرف به مردم حق می دهم و از طرفی حق نمی دهم که چنین قضاوتی داشته باشند همانطور که می دانید در هر صنفی حتی صنف پزشکان عده ای بی مسئولیت هستند و مسئولیت خورا قبول نمی کنند و اگر اتفاقی بیفتد مردم به پای همه پزشکان می نویسند و بگویند پزشکان همه همینطوری هستند که به خاطر مسائل مالی زیاد ارتباط برقرار نمی کنند شرح حال نمی گیرند بی حوصله اند رفتار نامناسب دارند به نظر من این مسائل را نباید بسط داد و به پای همه نوشت در بچه های شاهد هم چند موردی بوده که به دلیل دوری از خانواده و... نتوانستند درس بخوانند آن طور که باید خودشان را بالا بکشند و هم سطح بچه های دیگر شوند ولی به نظر من همه سهمیه داشتند یکی سهمیه منطقه ۲ داشته خیلی ها سهمیه هئیت

علمی دارند... اصل این است که بعد از ورود به دانشگاه بتوانیم خود را با دانشگاه وفق دهیم چرا بچه های شاهد باید از بیان اینکه سهمیه ای هستند خجالت بکشند؟ بیاییم به جای پاک کردن صورت مسئله آن را حل کنیم اگر در درستان ضعیف هستید آن را تقویت کنید و به نظر من اگر از نظر درسی خودشان را تقویت کنند بقیه مسائل خود بخود حل می شود و نگرش سایرین تغییر می کند.



چه روشی را در زندگی و کار از لحاظ اصول اخلاقی مناسب می دانید؟ به چه اصول اخلاقی پایبند هستید؟

در درجه اول اعتقاد به خدا مخصوصا پزشکان چون با کل آناتومی بدن انسان آشنا می شویم می بینیم که خدا چقدر بزرگ است . وجود انسانها از دید یک پزشک فقط ظاهر نیست و خیلی چیزهای دیگر را می تواند ببیند به نظر من بهترین روش برای زندگی توکل به خدا و با خدا بودن است حتی اگر نتوانیم خیلی اصول را رعایت کنیم اما همین به فکر بودن مهم است. همین که همیشه خدا را آن بالا ببینیم خیلی سخت است اما بهترین راه است در درجه دوم خواندن قران خیلی آرامش می دهد من خودم واقعا نتیجه می گیرم وقتی قران می خواندم احساس می کنم حافظه ام قوی تر میشود و نه تنها وقت گیر نیست بلکه خیلی حافظه را تقویت می کند . حتی اگر بتوانند هر هفته فقط یک صفحه قران بخوانند خیلی کمکشان می کند در علم ثابت شده که کلمات قران باعث یک سری تغییرات در مولکولهای بدن انسان می شود و مولکولها زیباتر می شوند و بهتر کار می کنند و یک تجربه ثابت شده است . دانشمندان اروپایی این تحقیق را انجام دادند و خیلی جالب است هنگامی که آنها راجع به کتاب آسمانی ما تحقیق می کردند دیدند که به هنگام تلاوت قران مولکولهای لیوان آب داخل اتاق به صورت جالبی تغییر شکل میدهند. کسانی که قرآن می خوانند آرامش قلبی دارند و ورزش هم خیلی مهم است و کسی راز برنامه ریزی عقب نینداخته ومهم تراز آن دعای خیر پدر مادر است که مانند یک معجزه است اگر باشد مثل حضور و یاد خداست ولی اگر نباشد زندگی سخت می شود .

خیلی ممنون از اینکه وقت خود را به ما دادید.